

خصلت میان دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا

دکتر مصطفی مؤمنی
استاد جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی

قسمت اول



است که لاک یکی از
بخش‌های مهم نوشته‌اش را به
مسأله مالکیت اختصاص می‌دهد، و
از این جا آغاز می‌کند: طبیعت زمین را
به همه انواع انسان‌ها بخشیده است.

به عقیده لاک، «کار» با تملک و
مالکیت یکی است. بنابراین، هرکسی
که کار می‌کند، یا می‌تواند کار کند، لزوماً
باید دارای تملک باشد. دو چیز دارایی‌های
انسان‌ها را تشکیل می‌دهند: نخست
مالکیت بی قید و شرط بر وجود خودشان،
بر پیکرشان، و دیگری حق تملک یا کاربرد
توانایی و استعداد کارشان. لاک دقیقاً بیان
می‌کند که مقصودش از مفهوم کار چیست:
به دست آوردن مالکیت. انسان‌ها می‌توانند
و باید به طوری پایان، از تملک هرچه بیش‌تر
برخوردار باشند.^۱

به نظر لاک: «حقوق و قوانین دارای
ریشه طبیعی هستند. حق، مساوی با آزادی
است و قانون همراه با الزام. اما آن آزادی و
این الزام، هر دو طبیعی هستند و از میان
حقوق طبیعی، در نظر لاک، حق دارایی از
اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و فصل پنجم
از رساله حکومت مدنی او اختصاص دارد به

بر اساس آن بنایی پدید آید که علی‌رغم همه
دگرگونی‌ها، اساس آن همان است که آینه
اندیشه لاک آن را نمایاند... لاک صورت مهم
سیاسی متناسب با تمدن جدید را ترسیم کرد؛
صورتی که با همه دگرگونی‌هایی که در سیر
و سیره طرفداران لیبرال-دموکراسی پیش
آمده است، همچنان راهنمای اندیشه و عمل
اندیشوران سیاسی است.^۱
مفهوم «حق طبیعی» در اندیشه سیاسی
لاک اهمیت فراوان دارد. «حق طبیعی، یعنی
آزادی فردی انسان‌ها در راه بردن زندگی و
بهره‌برداری از نیروها و محصولات‌های
کارشان... اما پرسش اساسی این است که
چرا جامعه مدنی یا شهری پدید آمد؟ پاسخی
که لاک می‌دهد، درست هماهنگ با شرایط
عین مادی، اقتصادی و اجتماعی انگلستان
آن دوران است. جامعه شهری برای آن پدید
آمد که از زندگی، آزادی و مالکیت انسان‌ها
نگهداری و پشتیبانی کند. به همین علت

مقدمه

بحث درباره ماهیت، دامنه و مرزهای
«آزادی» حداقل یک قرن است که در کشور
ما جریان دارد. سابقه این بحث در غرب به
قرن‌ها قبل برمی‌گردد. برداشت از آزادی
همواره در پرتو جهان‌بینی‌های دینی و
ایدئولوژیک معنی پیدا می‌کند و ماهیت آن در
اندیشه‌های متفکران «دوره بیداری»
(روشنگری) اروپا، مانند جان لاک (۱۷۰۴-
۱۶۳۲) فیلسوف انگلیسی، ژان ژاک روسو
(۱۷۷۸-۱۷۱۲) و ولتر (۱۷۷۸-۱۶۹۴)
اندیشمندان فرانسوی و دیگران ملاحظه
می‌شود. افکار این اندیشمندان زیربنای
نظری افکار آدام اسمیت و پیشوایان انقلاب
آمریکا و انقلاب کبیر فرانسه را به وجود آورد:
«جان لاک کسی است که دست‌کم،
زیربنای لیبرالیسم غرب را محکم می‌کرد تا

اثبات حق طبیعی و الهی انسان نسبت به دارایی و لوازم آثار.

شایان گفتن است که مراد لاک از دارایی فقط مال نیست، بلکه این عنوان شامل جان و آزادی نیز می‌شود. عقل لاک تشخیص می‌دهد که: زمین و هر چه در آن است، برای آن به بشر داده شده است تا پشتوانه وجودی و (تأمین کننده) آسایشش باشد... و همه ثمرات طبیعی و حیوانات پرورده شده در زمین به عنوان محصول‌های دست‌یافتنی طبیعت به طور مشترک تعلق به نوع بشر دارد و هیچ‌کس بالأصله شخصاً حق حاکمیت خاص بر دیگران ندارد.^۳

اعتقاد به «اصالت فرد انسان» محوری است که فلسفه لاک و آرای بسیاری از اهل نظر، حول آن و درجه تأمین منافع «فرد انسان» اصیل شکل می‌گیرد. از جمله، لاک معتقد است که آزادی «انسان متفرد» امری است طبیعی و باید پاس داشته شود.

و در جای دیگر:

«... از آن جا که همه افراد آدمی طبیعتاً آزاد و برابر و مستقل هستند، هیچ‌کس رانمی‌توان از حقوق طبیعی اش محروم ساخت و بدون رضایت خودش به زیر قدرت سیاسی شخص دیگری درآورد. تنها راهی که ممکن است شخص به موجب آن خود را از آزادی طبیعی محروم سازد و به زیر یوغ اجتماع مدنی آید، این است که با افراد دیگری برای تشکیل یک جامعه توافق کند، تا به وسیله آن آسودگی، تندرستی و زندگی صلح‌آمیزی برای ایشان میسر گردد و با امنیت خاطر بیش‌تری از دارایی خود بهره‌ور شوند و در برابر کسانی که عضو آن جامعه نیستند، ایمنی بیش‌تری داشته باشند».^۴

به نظر لاک، دولت یعنی:

«اجتماعی از افراد که فقط برای تأمین و پیشبرد علائق مدنی متشکل می‌شوند و آن علائق از این قرارند: زندگی و آزادی و

تندرستی و آسایش جسمانی؛ و تملک اشیای خارجی همچون پول و زمین و خانه و لوازم زندگی و چیزهایی از این دست».^۵

منابع افکار و مرکز الهام جفرسن را در ترکیب جملات «اعلامیه استقلال آمریکا» و در طرز بیان و تجسم حقایق، باید در کتاب «اوستانا»، اثر فیلسوف انگلیسی جیمس هرینگتون^۶ و در «رساله دوم درباره حکومت» اثر جان لاک جست‌وجو کرد.^۷ این اعلامیه استقلال که از اسناد مهم و بزرگ دنیا به شمار می‌رود، سرمنشأ تمام جنبش‌های دموکراتیک ملل دنیا، از جمله انقلاب کبیر فرانسه می‌باشد،^۸ جنگ استقلال بین بریتانیای کبیر و مستعمرات آمریکایی آن، که از آوریل ۱۷۷۵ آغاز گردید، این مستعمرات را به این نتیجه رساند که در «تاریخ ۷ ژوئن ۱۷۷۶، ریچارد هنری لی از کالیفرنیا در جلسه کنگره اقلیمی یک قطعنامه، مشعر بر این که مستعمرات ایالات آزاد و مستقلی هستند و به حق باید چنین باشند، تسلیم نمود».^۹

یک سال پیش از تدوین اعلامیه استقلال (۴ ژوئیه ۱۷۷۶)، در جریان اولیه کنگره، تمام نمایندگان ۱۳ کلنی آمریکایی بریتانیای کبیر، بر سر متنی به توافق رسیده بودند که نویسنده آن جان آدامز^{۱۰} (۱۸۲۶-۱۷۳۵) از اعضای هیأت منتخب و از مردان نامی برای تدوین اعلامیه استقلال^{۱۱} بود. طبق این متن، بر خوردارگی از حق زندگی، حق آزادی و حق مالکیت از حقوق مسلم آمریکاییان بود. اما توماس جفرسن (۱۸۲۶-۱۷۴۳) که مأمور تدوین نهایی اعلامیه استقلال شد، به جای متن آدامز، «حق زندگی، آزادی و جست‌وجوی خوشبختی» را ترجیح می‌دهد.^{۱۲} متن جفرسن در چهارم ژوئیه ۱۷۷۶ به تصویب کنگره رسید^{۱۳} و برای امضا و تصویب مجالس قانون‌گذاری ۱۳ ایالت آن زمان

آمریکا ارسال شد. این اعلامیه رسماً استقلال آمریکا را اعلام می‌داشت. با پیروزی نظامی آمریکایی‌ها بر انگلیسی‌ها در ۱۹ اکتبر ۱۷۸۱ و معاهده پاریس، بین آمریکا و انگلیس در سپتامبر ۱۷۸۳ پیمان صلح به امضا رسید و قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در ۴ مارس ۱۷۸۹ تصویب شد.^{۱۴}

یکی از معاصران جفرسن درباره تدوین اعلامیه استقلال توسط او می‌نویسد: «جفرسن روح فاره آمریکا را در آن سند بزرگ تاریخی دمید و ایده آل مردم را در آن اعلامیه منعکس ساخت».^{۱۵} چون حقوق مندرج در بند دوم قسمت اول این سند، روح زمان متفکران و سیاستمداران و نمایندگان آمریکا و بیانگر اصول دموکراسی و «شیوه زندگی آمریکایی» است، متن آن را در زیر می‌آوریم: «... ما این حقایق را از بدیهیات می‌دانیم که همگی مردم مساوی آفریده شده‌اند و این که آفریدگارشان بدان‌ها حقوق خاص و غیر قابل انتزاعی اعطا نموده است که از آن جمله است: حق زندگی، داشتن آزادی و جست‌وجوی خوشبختی و به منظور حفظ این حقوق، مردم برای خود حکومت‌هایی تأسیس خواهند کرد و با میل و رضای خود به آن حکومت‌ها اختیار و اقتدار خواهند داد. دیگر آن که هرگاه این حکومت‌ها از راه راست منحرف شوند، از حقوق مردم است که آن‌ها را تغییر دهند یا ساقط سازند و حکومت‌های جدیدی روی کار آورند که بتوانند با وضع قوانین مناسب و اعمال قدرت، امنیت و خوشبختی مردم را تأمین و حفظ کنند...»^{۱۶}

بدین ترتیب، «متن تهیه شده به وسیله توماس جفرسن، با گنجاندن حق جست‌وجوی خوشبختی، مضمونی انقلابی دارد. به نظر جفرسن، حق خوشبخت بودن یک حق تبعی نیست. او می‌گوید: تنها هدف

ساسی و درخور توجه از تأسیس یک دولت،
آمین حداکثر خوشبختی مردم است؛ تا
سرحد امکان. جا دارد متذکر شویم که
مروزه، حق جست و جوی خوشبختی یکی
ز مظاهر اساسی زندگی آمریکایی شده
ست».^{۱۷}

آغاز دوران انقلاب صنعتی در انگلستان
(۱۷۶۰) و گذار به صنعت بزرگ ماشینی،
جهان غرب را از دوران فنودالیسم به دوران
سرمایه داری و سپس امپریالیسم کشانید. با
سوءاستفاده از آزادی لیبرالی و آزادی
بی بند و بار بعدی سرمایه داری بود که محیط
زیست شهری و ناحیه ای، ابتدا در اروپا و
سپس در جهان ابعاد فاجعه آمیزی پیدا کرد.
با انتقال آرمان‌ها و آزادی‌های خاص
سرمایه داران غربی و تشکیل شهرهای عظیم
با صنایع و شبکه حمل و نقل آلودگی ساز
در جهان سوم و نیز ایران، مفهوم آزادی
سیاسی و اقتصادی دچار سوءاستفاده‌های
خطرناکی شد.

در کشور ایران، با آزادی اکتشاف و
استخراج نفت از اوایل قرن بیستم میلادی
و همچنین تمرکزهای صنعتی و شهری،
بدون زیربنای نقشه، برنامه و آمایش
سرزمین، سوءاستفاده از آزادی برخورد
انسان با محیط‌های طبیعی، اجتماعی و
اقتصادی ابعاد ویرانگری، حتی در دوره
حکومت اسلامی، به خود گرفت. پرسش
اساسی این است که آیا انسان چون اشرف
مخلوقات و خلیفه الله است، واقعاً آزاد
است، تا آن جا که می‌خواهد تولید نسل
کند؟ هر جا خواست سکنا گزیند و فعالیت
صنعتی راه بیاندازد؟ شهرها را بی محابا در
شش جهت گسترش دهد و قفس و لانه
موربانه‌ای شکل درست کند؟
انبوه‌کده‌های صنعتی و شهری پدید آورد،
عناصر طبیعت از آب و هوا و کوه و در و
دشت، تا خاک و پوشش جنگلی و حیات

جانوری را اسیر خود سازد؟ در تخریب
اکوسیستم‌های طبیعی و به طور کلی
محیط زیست بکوشد؟ آب را هر قدر
خواست به مصرف برساند و کشور را دچار
خسران بزرگ کند و در نهایت، رابطه
انسان و محیط طبیعی و انسانی را از
صورت متعادل و متوازن به صورت
نادرست و نازیبا درآورد و همه جا را
آسیب پذیر سازد؟

اینک از صدر تا ذیل سردمداران
جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه
رسیده‌اند که آزادی انسان باید حریم
محیط زیست را در چارچوب اصول
اسلامی محترم شمارد. باید به آزادی
بی بند و بار گروه‌های با نفوذ اقتصادی لگام
بزنند و فعالیت انسان را در این سرزمین
به خاطر آسودگی، آزادگی و در نهایت
ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل
انسانی و هر آنچه در اصول قانونی اساسی
جمهوری اسلامی ایران آمده است، تنظیم
کند. امید است، اصل چهل و هشتم قانون
اساسی جمهوری اسلامی ایران انشاءالله
بتواند، محیط کشور را متناسب با شأن
مردم کشور اسلامی ایران سروسامان و
آمایش دهد. متن قانون به این شرح زیر
است:

قانون اجرای اصل چهل و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ماده واحده- دولت مکلف است تا دو
سال پس از تصویب این قانون و در اجرای
اصل چهل و هشتم قانون اساسی جمهوری
اسلامی ایران به منظور:

۱. رفع هرگونه تبعیض در استفاده
مناطق (استان‌ها و شهرستان‌ها) مختلف
کشور، از منابع طبیعی و سرمایه‌های ملی.
۲. فراهم کردن زمینه رشد همه مناطق

(استان‌ها و شهرستان‌ها)، متناسب با
استعدادها و با حفظ رقابت سازنده.

۳. توزیع مناسب فعالیت‌های اقتصادی
در مناطق (استان‌ها و شهرستان‌ها) مختلف
کشور.

۴. استفاده بهینه از قابلیت‌ها و
مزیت‌های نسی در راستای نقش منطقه‌ای
و بین‌المللی کشور.

با مطالعه و بررسی کارشناسی لازم و با
ملاحظه میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام شده
در سال‌های گذشته و شاخص‌های
توسعه‌یافتگی مناطق (استان‌ها و
شهرستان‌ها)، طرح آمایش سرزمین (توزیع
متناسب جمعیت و فعالیت‌های بخش‌های
اقتصادی در فضای ملی) را تهیه و اقدامات
قانونی لازم برای اجرای آن از آغاز سال
۱۳۸۳ را به عمل آورد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده، در
جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و
چهارم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد
مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ
۱۳۸۰/۶/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده
است.

مهدی کروی

رئیس مجلس شورای اسلامی

مقاله حاضر که به «خصیلت میان‌دانشی
آمایش سرزمین و جایگاه جغرافیا در آن»
می‌پردازد، به این امید نگارش یافته است که
جغرافی دانان بتوانند، به وظیفه خود در کمک
به تدوین قانون آمایش سرزمین، در
چارچوب جغرافیای کاربردی و اجرای آن
توجه و عمل کنند.

۱. برنامه ریزی

«برنامه‌ریزی»، پیش‌اندیشی دقیق و
عمیق راجع به کردار هدفمند آتی، بر وفق
سیاست‌های کلی نظام است. به عبارت

دیگر، برنامه‌ریزی جریانی نظری است که متعاقب آن، کردارهای عملی انجام می‌گیرد. از این رو برنامه‌ریزی به روشنی آینده‌گراست و مسبوق به اراده‌ای است که در نظر دارد، نظامی مستند تولید کند. این اراده تنها هنگامی می‌تواند در عمل پیاده شود که مقاصد آرمانی شفاف در باره زندگی‌سازی مطلوب پدید آورد؛ به طوری که بتواند، سرچشمه هدف‌هایی آینده‌گرا برای اعمال و اقدامات شود.

هدف‌های برنامه‌ریزی غالباً در جریان بلندمدت «هدف‌جویی» شکل می‌گیرند. بدین ترتیب، نسبت شمول برنامه‌ریزی بر حسب نظام حکومتی کشورها تفاوت می‌کند؛ به طوری که در کشورهای استبدادی و به ویژه کشورهای کمونیستی، شیوه حکومت ایجاب می‌کند، دخالت دولت در برنامه‌ریزی به حد اکثر برسد. ولی کشورهای آزادی‌خواه مردم‌سالار، دخالت خود را در برنامه‌ریزی به حداقل کاهش می‌دهند و تنها به برنامه‌ریزی عمومی در حد حل مسائل عام‌المنفعه می‌پردازند.

۲. آمایش سرزمین

بر اساس برداشت فوق از برنامه‌ریزی می‌توان آمایش سرزمین (برنامه‌ریزی یا طرح‌اندازی فضایی) را سازمان‌دهی هماهنگ و سزاوار فضای حیاتی کشور در قالب سیاست‌های کلی و محوری توسعه درازمدت همه‌سویانگر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی نظام جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب منطقه‌بندی و تقسیم سرزمین، تقسیمات کشوری و ضرورت‌های دفاعی دانست.^{۱۹} با این تعریف آمایش سرزمین، بهترین، دقیق‌ترین و ظریف‌ترین طرز انتقال عاقبت‌اندیشی منطقی و عملی حکومت بر سرزمین یا فضای حیاتی (واحدهای خرد و کلان) در چارچوب

عدالت است. این سرزمین فضای حیاتی مشترک جامعه، گیاه و همه موجودات زنده است.

اصول و هدف‌های برنامه‌ریزی آتی آمایش سرزمین، از ارزش‌های اسلامی (مندرج در قانون اساسی، نظرات مقام معظم رهبری در زمینه سیاست‌های کلی نظام، تذکرات ایشان به شوراهای، به ویژه بند ۶ آن، و نیز سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه، به ویژه مندرج در نامه مقام رهبری به رئیس‌جمهور، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام)^{۲۰}، نظرات مردم از طریق شوراهای و مجلس شورای اسلامی، خطوط کلی استراتژی سازماندهی فضا در چارچوب قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۲-۱۳۶۸) و هدف‌های کلان کیفی خط‌مشی‌های اساسی قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، ضرورت‌ها و مصالح اقتصادی کشور، مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین (ملی و استانی) و ضرورت‌های امنیتی، دفاع نظامی و غیرنظامی و نظایر آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، به صورت علمی-کاربردی در قالب قانون تدوین می‌شود و توسط دستگاه‌های اجرایی به منصه ظهور و بروز می‌رسد. اساس هر برنامه‌ریزی فضایی، قانون آمایش سرزمین است. بدین ترتیب قانون آمایش سرزمین که مبنای عملی کار برنامه‌ریزان آمایشی در سازمان‌دهی شایسته فضاست، جریانی است با ابعاد ارزشی، سیاسی، قانونی و علمی و هنری، بدین شرح:

الف- آمایش سرزمین بُعد ارزشی-سیاسی و قانونی دارد، زیرا مبانی ارزشی آن بر وفق موازین جاویدان ارزشی اسلام، که «مجموعه‌ای از معارف اصلی و اخلاقی و قوانین عملی متناسب الاطراف و

مرتبط الاجزاء است»^{۲۱}، قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام براساس عدالت اجتماعی که مقام معظم رهبری آن‌ها را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین می‌فرمایند، و پس از گذر از مجاری اجرایی-قانونی هیأت دولت، شوراهای مجلس شورای اسلامی با اراده سازمان‌دهی مطلوب و سزاوار آینده مجموعه سرزمین و مناطق تعیین می‌شود.

ب- آمایش سرزمین بُعد علمی دارد، زیرا ویژگی‌های پدیده‌های موضوع آمایش سرزمین (محلی، ناحیه‌ای و ملی) را با روش علمی خاص خود مرتب می‌کند و آن‌ها را، چونان معرفت موقوت، در اختیار برنامه‌ریزان برنامه‌ریزی فضایی و آمایشگران، برای تدوین مطالعات در قالب طرح‌های پایه آمایش سرزمین و در جهت آمایش فضای حیاتی قرار می‌دهد: «آمایش سرزمین امروز، مجموعه‌ای از دانش‌های جدید است که به طرز هماهنگ و تلفیق یافته عمل می‌کند و کارشناسان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، برنامه‌ریزی اجتماعی...) و مهندسی (معماری، راه و ساختمان، کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست، معماری و شهرسازی و جغرافیا) با مشارکت گروهی و گفت‌و شنود منطقی می‌توانند، در محدوده مسائل آمایش سرزمین مطالعه و برنامه‌ریزی کنند.»^{۲۲} جایگاه دانش جغرافیا و جغرافیای کاربردی در آمایش سرزمین بسیار متین است و «بی‌شک جغرافیا رکن مهمی برای آمایش سرزمین محسوب می‌شود... هم در جغرافیا و هم در آمایش سرزمین، سه عنصر اساسی وجود دارد که زمینه‌های اصلی مطالعه هستند: انسان، فضا و فعالیت... به تعبیری جغرافیا، آمایشی‌ترین علوم و آمایش سرزمین جغرافیایی‌ترین نوع برنامه‌ریزی است... آنچه را جغرافیا به عنوان یک علم

وضیح می‌دهد، آمایش به‌عنوان مجموعه‌ای از علوم، شیوه‌ها و هنرها، می‌کوشد عملی کند. جغرافیا توضیح می‌دهد و آمایش تغییر کند. جغرافیا تبیین می‌کند و آمایش طراحی...»^{۳۳}

اقتضای ماهیت و تعریف جغرافیا که به بررسی جریان دیالکتیکی روابط دوجانبه انسان و محیط و ساختار فضایی حاصله می‌پردازد، حکم می‌کند تا جغرافیا یکی از همکارهای اصلی منطقه‌شناسی، برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی منطقه‌ای یا آمایش سرزمین در سطوح محلی، ناحیه‌ای و کشوری باشد. جغرافیا باید در زمینه رزیابی و قابلیت‌سنجی منابع و توان‌های محیط طبیعی، انسانی و اقتصادی نواحی جغرافیایی ایران کمک کند تا برنامه‌ریز و طراح نظم فضایی بتواند، ضمن از میان برداشتن تضادها و نابرابری‌های موجود، فعالیت‌ها و تأسیسات ضروری را با کمیت و کیفیت درست، در جای مناسب و در هنگام معین و به‌حال و وضع مناسب و ترکیب موزون و زیبا، به نحوی در فضا استقرار دهد تا حق همه در مقام خود ادا شود و هر چیز در جایی بنشیند که غیر از آن سزاوار نیست.

ج- آمایش سرزمین بعد دفاعی-امنیتی دارد، زیرا ضرورت‌های دفاع نظامی و غیرنظامی مسائلی هستند که در جهان کنونی کلیه ابعاد زندگی را دربرمی‌گیرند و تنها به ایجاد فعالیت و اسکان در مناطق استراتژیک محدود نمی‌شوند.

د- آمایش سرزمین بعد هنری دارد، زیرا فضا باید در طرح‌ریزی و اجرا بر وفق اصول زیباشناختی، یعنی نظم، تناسب و هماهنگی معینی بین اجزای واقعیت‌های تشکیل‌دهنده آن، آرایش و سازمان یابد: «کار کارشناس آمایش، مانند کار هنرمند نقاش است که با درهم‌آمیزی رنگ‌ها، تصویری هماهنگ، موزون و زیبا پدید

می‌آورد. او نیز با درهم‌آمیزی برنامه‌ریزی شده و عقلایی عوامل طبیعی، اقتصادی و انسانی در پهنه سرزمین، امکانات و تسهیلات و ساختارها و نظام‌های مطلوب کار و زندگی فردی و اجتماعی را پدید می‌آورد.»^{۳۴}

ه- در نهایت، سطوح گوناگون آمایش سرزمین از طرح‌ریزی تا اجرا و شکل‌گیری آن برای حسن اجرای سیاست‌ها و رهنمودهای کلی حکومت، باید زیر نظارت نمایندگان مقام معظم رهبری، دستگاه قانون‌گذاری، دستگاه اجرا و دستگاه دفاع باشد.

از این‌روست که برنامه‌ریز و طراح یا آمایشگر فضای سرزمین باید برای حسن تدبیر در تدوین و اجرای برنامه‌ها تا حد امکان دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. احاطه بر آن بخش از جهان‌بینی اسلامی که در پرتوی آن، جامعه و فضای فرهنگ مادی جامعه سازمان می‌یابد.

۲. احاطه بر قوانین علوم زمین و اکولوژی گیاهی و جانوری، به‌ویژه جغرافیا، تا از خصصت‌های محیط جغرافیایی، خصوصاً طبیعت سرزمین (محیط زیست)، که فضای حیاتی مشترک انسان، گیاه و همه موجودات زنده است، شناخت اساسی داشته باشد.

۳. احاطه بر تاریخ مردم و فرهنگ کشور، و نیز چگونگی تکوین ساختارها و کارکردهای نظام سازمان فضایی کشور، اعم از کوچ‌نشینی، روستاشینی و شهرنشینی و مجتمع‌ها و شهرک‌های صنعتی.

۴. احاطه بر مبانی علوم برنامه‌ریزی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اداری، به‌ویژه روش‌های برنامه‌ریزی فضایی (آمایش سرزمین) خرد و کلان.

۵. داشتن مشرب و احساس هنری و زیباشناختی درباره طراحی و شکل‌دهی

فضای سرزمین (اعم از محلی، ناحیه‌ای و ملی)

در صورتی که چنین کارشناسانی پیدا نشوند، می‌توان عجتاً برنامه‌ریزی آمایش سرزمین را به صورت شورایی اداره کرد و در پی آموزش و پرورش کارشناسانی توانا، هم‌مشی، هم‌مشرب، هماهنگ، دلسوز و به‌طور کلی هم‌فرهنگ، دانشمند و آشنا به سیاست‌های آمایش سرزمین در کشورهای پیشرفته بود.

از این‌رو، نظراندازی بر تجربه‌ها و سیر تاریخی آمایش سرزمین در کشورهای غربی، به‌ویژه آلمان فدرال،^{۳۵} ضرورت حیاتی دارد. واژه «آمایش سرزمین» در آلمان به سال ۱۹۳۵ در زبان قانون آلمان وضع شد و در چارچوب قانون ۱۹۶۵ جمهوری فدرال آلمان جنبه ملی یافت. پس از آن در هر یک از ایالات، با توجه به شرایط آن ایالت قانون آمایش سرزمین خاصی در قالب قانون آمایش ملی تصویب گردید. پس از اتحاد مجدد آلمان در سال ۱۹۸۹، بار دیگر در قانون آمایش ملی تصویب گردید. بار دیگر در قانون آمایش سرزمین تجدیدنظر شد و در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید.

اخذ چنین تجربه‌هایی در حل مسائل ناشی از: صنعت‌گرایی، هجوم‌های ناشی از مهاجرت و روستاگریزی، تمرکز بی‌رویه، و پریشانی‌های فضایی که در کشور ما بروز کرده و مسائل پیچیده‌ای آفریده‌اند، با رعایت مقتضیات خاص کشور، فواید عظیمی در نحوه سازماندهی فضای سرزمین خواهد داشت.

تدوین‌کنندگان گزارش «مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران» (خلاصه و جمع‌بندی مطالعات، مرحله اول، تابستان ۱۳۶۴، انتشارات دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، معاونت امور مناطق، وزارت

räumliche Planung. UTB für Wissenschaft: Grosse Reihe, Stuttgart (Hohenheim), Eugen Ulmer GmbH & Co.

۱۹. در گزارش سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اقتصادی و فرهنگی، دفتر آمایش و برنامه ریزی منطقه ای در مهرماه ۱۳۷۶، با عنوان «بحثی پیرامون آمایش سرزمین: مفاهیم، ضرورت ها و سابقه»، از برنامه ریزی آمایش سرزمین به طور خلاصه به عنوان «سازمان دهی مطلوب فضا در جهت نیل به هدف ها و استراتژی های جامع توسعه ملی» نام می برد که از مهم ترین ویژگی های آن، نگرش همه جانبه به مسائل، آینده نگری، دورنگری و نتیجه گیری های مکانی از محتویات استراتژی توسعه ملی» (ص ۳) است.

۲۰. از سوی مقام معظم رهبری کلیات برنامه سوم توسعه برای اجرا ابلاغ شد؛ در: روزنامه صبح امروز، سال دوم، شماره ۱۲۰، یکشنبه ۲ خرداد ۱۳۷۸، ص ۱.

۲۱. سید محمدحسین طباطبائی: تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۷، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۹.

۲۲. حاج یوسفی: آمایش سرزمین، سنبله (مجله ماهانه علمی-فنی-کشاورزی-زیست محیطی)، شماره ۵۴، آبان ۱۳۷۲، ص ۱۳-۶.

۲۳. محمدحسن فولادی: آمایش سرزمین و جغرافیا، رشد آموزش جغرافیا، نشریه گروه جغرافیا-دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و

برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، شماره ۳، پاییز ۱۳۶۴، ص ۲۷-۲۴.

۲۴. حاج یوسفی، همان، ص ۷.

۲۵. آلمان فدرال، در جریان انقلاب صنعتی، در عین استفاده از مواهب آن، به تدریج دچار عوارض سوء اجتماعی، اقتصادی و فضایی حاصل از سرمایه داری صنعتی و صنعتی شدن گردید. ولی به تدریج موفق به شناخت مسائل، اتخاذ تدابیر و پاسخ های مقتضی، از جمله آمایش سرزمین برای مقابله و مواجهه با آن ها شد.

ترجمه جواد شیخ الاسلامی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰، ج ۲، قسمت اول، ص ۴۴، ۴۶، در: سید محمد خاتمی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۲-۲۴۳.

۵. «تامه ای درباره مدارا» از جلد ۳۵ مجموعه کتاب های بزرگ جهان غرب، ص ۳، در: سید محمد خاتمی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۷.

6. James Harrington

۷. فرانسیس ویتنی؛ نانان گلیک و دیگران: تاریخ مختصر آمریکا، بی جا، بی تا (باید دهه ۱۹۶۰ بوده باشد)، ص ۴۱-۴۰.

۸. رک: آندره موروا: تاریخ آمریکا از پیدایش تاجنگ جهانی دوم، ترجمه نجفقلی معزّی «حسام الدوله»، شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء، ۱۳۴۰، ص ۱۸۱.

۹. سخنرانی ها و استاد مهم در تاریخ آمریکا، تهران، بی تا (این جزوه باید به سال ۱۹۶۵ هنگام دوره سفیر کبیری ارومن مایر در ایران، از طرف آمریکا انتشار یافته باشد).

10. John Adams

۱۱. هیأت منتخب ندوین اعلامیه استقلال عبارت بودند از: تامس جفرسن، جان آدامز، روجر شرمان (Roger Sherman)، رابرت لویینگ استون (Robert R Livingston) و بنجامین فرانکلین (Benjamin Franklin): سلطان محمد عامری،

تاریخ کشورهای متحده آمریکا، تهران ۱۳۳۰، ص ۷۶.

۱۲. رک: کلود ژولین: آمریکا در تاریخ (رویا و تاریخ)، ترجمه مرتضی کلانتریان، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۷، ص ۳۲.

۱۳. رک: سلطان محمد عامری، ۱۳۳۰، ص ۷۶.

۱۴. رک: همان، ص ۸۹.

۱۵. فرانسیس ویتنی، نانان گلیک و دیگران: تاریخ مختصر آمریکا، ص ۴۰.

۱۶. علی پاشا صالح: پیوندهای فرهنگی ایران و آمریکا، ... نقل در: کلود ژولین: آمریکا در تاریخ (رویا و تاریخ)، ترجمه مرتضی کلانتریان، ۱۳۵۷، ص ۱۱ و ۱۲.

۱۷. کلود ژولین، آمریکا در تاریخ، ص ۳۳.

۱۸. رک. به کتاب زیر:

Hartwig Spitzer 1995: Einführung in die

برنامه و بودجه، شماره ۶۴/۳۷، تابستان ۱۳۶۴)، و گزارش های دیگر در این زمینه نیز توانسته اند، تا حد زیادی از تجربه های غربی استفاده کنند؛ گو این که از اشاره به مآخذ، شاید به خاطر نفس کار، پرهیز کرده اند. این اثر علمی «دفتر برنامه ریزی منطقه ای» طلیعه ابتکاراتی در زمینه آمایش سرزمین ایران است که انشاءالله، با مطالعه و شناخت عمیق تر سرزمین ایران و ارزش های اسلامی، با اخذ بهتر و عمیق تر تجربه های ارزنده دیگران، تا آن جا که با اصول و ارزش های ماهمانگ هستند، روزه روز غنی تر خواهد گردید.

بدیهی است راه و جهت برنامه ریزی فضای کشور را نباید در درجه اول در چارچوب آرمان های خودی و امکانات و

مقدورات کشور جست و جو کرد. لازم است، با مسائل عالمانه و منطقی برخورد نمود و به چاره جویی های لازم در مقیاس

کوچک و بزرگ پرداخت. در عین نظر به حال، باید به آینده نیز توجه داشت و در جهان

کنونی، از استفاده از تجربه های مفید بشری پرهیز نکرد و به دوباره کاری دست نزد.

از این رو در ادامه، ترجمه متن کامل قانون آمایش سرزمین آلمان (سال های ۱۹۶۵ و ۱۹۹۳) را، برای آگاهی از تجربه های آلمان

غربی سابق و آلمان متحد کنونی، می آوریم. ادامه دارد

زیرنویس

۱. سید محمد خاتمی: از دنیای «شهر» تا شهر «دنیای»، سیری در اندیشه سیاسی غرب، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۲۳۲.

۲. شرف الدین خراسانی، شرف: از برونو تا هگل: طرحی از برجسته ترین چهره های فلسفی دوران های جدید، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شماره ۶۹، ۱۳۵۴، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۳. سید محمد خاتمی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۹ و ۲۴۲.

۴. مایکل، پ. فاستر: خداوندان اندیشه سیاسی،